

انسان بی‌نهایت طلب است یا موجودی سیری ناپذیر؟

آیا انسان بی‌نهایت طلب است، نقش این میل در آرزوهای ما چیست؟

انسان موجودی بی‌نهایت طلب است! درک این موضوع نیازی به استفاده از دلیل و برهان ندارد، تنها کافی است نگاهی به رفتار خود بیندازیم تا این گزینه برایمان ثابت شود. ما معمولاً با پروراندن رؤیای شیرین رسیدن به چیزی که آن را نداریم، یا رسیدن به هدفی مشخص به دنبال ایجاد حال خوب برای خود هستیم. اگر لحظاتی به گذشته خود سفر کنیم، خواهیم دید که اغلب اتفاقات زندگی ما در نتیجه آرزوهای ماست؛ چه اتفاقات مبارکی که با یادآوری آن‌ها لبخند می‌زنیم و چه رخداد‌های تلخی که مرور آن‌ها گرد غم به چهره ما می‌نشانند. در حقیقت آرزو همان جرقه ناشی از کشیدن کبریت بر جعبه آن است، که شعله آتش را ایجاد می‌کند.

آرزوهایی که با تلاش و پشتکار، همراه می‌شوند، اغلب برآورده خواهند شد. اما مسأله اینجاست که آرزوهای ما تمامی ندارند، ولی عمر ما در زمین تمام شدنی و محدود است. آرزوهای ما نامحدودند، اما امکانات ما در زمین محدود و در چهارچوب معینی است. پس تکلیف این انسان بی‌نهایت طلب با آرزوهای ناتمامش چیست؟

انسان در آرزوهایش به دنبال چیست؟

آیا برایتان اتفاق افتاده که مدت‌ها در آرزوی خرید یک لباس زیبا یا عطر گران‌قیمت پس‌انداز کنید، اما پس از خرید آن احساس کنید که چنگی به دل نمی‌زند و لیاقت شما داشتن لباسی فاخرتر و جذاب‌تر است؟ ما تشنه‌ایم و به وسیله آرزوهایمان می‌خواهیم خود را سیراب کنیم، غافل از این که مانند بیماری که به استسقا مبتلاست، هر چه بیشتر آب می‌نوشیم تشنه‌تر می‌شویم. با رسیدن به هر آرزو، به آرزو و خواستی پیشرفته‌تر و کامل‌تر از دستاورد فعلی‌مان مشتاق می‌شویم. در واقع ما هیچ کدام از

آرزوهایمان را نمی‌خواهیم بلکه تجربه‌خواستن و به دست آوردن است، که ما را گرفتار خود کرده. تنها چاره‌ما این است که بپذیریم انسان بی‌نهایت طلب است. پس از پذیرش این ویژگی باید برای ارضای این میل خود مجرای درستی پیدا کنیم.

اثر میل بی‌نهایت‌طلبی در آرزوهای انسان چیست؟

انسان بی‌نهایت طلب است و همین میل بی‌نهایت‌طلبی موتور محرک حیات و زندگی ماست و ما را از سکون و توقف خارج می‌کند و چون میل بی‌نهایت‌طلبی به شکل ذاتی در همه انسان‌ها وجود دارد، ناخودآگاه در ابعاد مختلف وجودی ما هم بروز کرده و خود را نشان می‌دهد.

این میل مانند آبیاری قطره‌ای، آرام آرام به آرزوهای انسان تزریق شده و آرزوهای ما را به سمت خواستن بی‌نهایت پیش می‌برد. انسان بی‌نهایت طلب چاره‌ای جز این ندارد که برای راضی کردن بخش‌های مختلف وجود خود به آرزوهای هر کدام رسیدگی کند و در نهایت مانند بازمانده یک کشتی شکسته در میان دریای آرزوهای بی‌نهایت خود سردرگم می‌شود.

احتمالاً بارها شنیده‌اید که نوشیدن آب دریا انسان را تشنه‌تر خواهد کرد. آرزوهای ما هم مانند آب دریاست و حتی رسیدن به آنها هم تنها ما را تشنه‌تر می‌کند. انسان بی‌نهایت طلب در آرزوهای مربوط به هر کدام از ابعاد وجودی خود مثل بعد گیاهی، حیوانی، جمادی و عقلانی مدام به دنبال بهتر و بهترین است. تنها چاره‌ای که می‌تواند وجود ما را در میان این همه خواسته تمام نشدنی به آرامش برساند، این است که یک معیار درست برای آرزوهایمان پیدا کنیم. معیاری که ما را محدود نکند، اما از تشنه غرق شدن در میان دریای آرزوهای دور و دراز و خواستنی نجات دهد. مانند صافی یا فیلتری که می‌تواند آب شور دریا را شیرین و قابل نوشیدن کند.

تفاوت در بروز بی‌نهایت‌طلبی

هر یک از ما بی‌نهایت‌طلبی را در یک بعد از ابعاد وجودی‌مان بروز می‌دهیم. این بعد معمولاً همان بخشی است که تمرکز، تلاش و انرژی بیشتری را به آن اختصاص می‌دهیم و با استعدادها و توانایی‌های ما رابطه مستقیم دارد. برای مثال شخصی که عمده توجه و تلاش خود را بر پرورش بعد گیاهی وجودش متمرکز کرده، یعنی مهم‌ترین خواسته‌اش این است که بدنی سالم، قوی و زیبا داشته باشد، ناخودآگاه آرزوهایش به سمت کمال‌خواهی در این بعد می‌رود و سایر اهداف و برنامه‌های زندگی‌اش در سایه ورزش و رسیدن به وزن دلخواه قرار می‌گیرد.

با مروری بر تاریخ متوجه می‌شویم که بعد حیوانی انسان بی‌نهایت طلب وقتی به قدرت رسیده است، چنان برجسته شده و بی‌مهابا رشد کرده، که خسارات جبران‌ناپذیری در عالم به جا گذاشته است. یا چه بسیار افرادی که در بعد عقلی توقف کرده و آرزوی اشراف به فلان علم یا فلان دانشگاه مشهور یا حتی رسیدن به مقام اجتهاد، آن‌ها را بی‌قرار کرده است.

نکته مهمی که عموماً از آن غافلیم این است که باید بدانیم همه ابعاد وجود ما بی‌نهایت نیستند. ما ظرفیت و پتانسیل دریافت و پذیرش بی‌نهایت را در تمام ابعاد وجودمان نداریم و قاعدتاً هم نمی‌توانیم بی‌نهایت را در آن‌ها دریافت کنیم و در خود بگنجانیم؛ در نتیجه سرنوشت بی‌نهایت‌طلبی ما در قوای پایینی نفس چیزی جز اضطراب و ناآرامی نخواهد بود. ما چیزی را می‌خواهیم که نمی‌توانیم داشته باشیم و رنجی از این بالاتر وجود ندارد.

اگر ظرفیت ابعاد وجودی انسان را به پنج پیمانانه با سایزهای مشخص تشبیه کنیم، بهتر می‌توانیم این نکته را درک کنیم که نمی‌توان بی‌نهایت آب را در یک پیاله کوچک ریخت؛ در نتیجه بی‌نهایت کمال را نمی‌توان در جسم کوچک و محدود و عمر کوتاه انسان بی‌نهایت طلب گنجاند.

فوق‌عقل یا بخش انسانی؛ دارای گنجایش بی‌نهایت

این سؤال پیش می‌آید که سرنوشت این انسان بی‌نهایت طلب چیست؟ این میل بی‌نهایت‌طلبی که انسان را به سمت مقصدی بی‌نهایت در آرزوها سوق می‌دهد، در پیش‌برد آرزوهای کدام بخش وجودی انسان مفید است؟

انسان تنها در بعد انسانی خود دارای ظرفیت و گنجایش بی‌نهایت است و قاعدتاً تنها در این بعد توانایی پذیرش بی‌نهایت را دارد. از آن‌جا که گنجایش ظرف و ماده‌ای که قرار است ظرف با آن پر شود، باید با هم سنخیت داشته باشند، میل بی‌نهایت‌طلبی در پیش‌برد سیر آرزوهای بعد بی‌نهایت وجود ماست که کارآمد خواهد بود. بخش انسانی وجود ما همان صافی یا فیلتری است که باید در جای مناسب خود، یعنی به عنوان رهبر سایر بخش‌های وجودمان قرار بگیرد، تا بتواند مزه شور بی‌نهایت‌طلبی را به شیرینی نامحدود تبدیل کند.

آرزو کردن از ویژگی‌های جذاب و ذاتی انسان است. این قابلیت، انگیزه و نیرو محرکه زندگی ما است. اما نکته مهم آن است که آرزوهای ما باید در جای درست خود قرار بگیرند. در این صورت عامل رشد و حرکتند و می‌توانند حال خوب ایجاد کنند، اما اگر هر یک از بخش‌های وجود ما به صورت مستقل خواستار بی‌نهایت شدن باشند، با توجه به محدودیت انسان در عمر و امکانات این میل منجر به حال بد و غم خواهد شد.

انسان بی‌نهایت طلب در وجود خود تنها یک بخش بی‌نهایت دارد که روحیه بی‌نهایت‌طلبی هم تنها متعلق به همان بخش است. اما از آن‌جایی که با این بخش از وجود خود آشنا نیستیم، میل بی‌نهایت‌طلبی را در سایر بخش‌ها به کار می‌گیریم.